



۲۰۱۶/۰۳/۳۱



رسول پويان

فرهنگ جهالت

ضميرم اين مثل را کرد تکرار
به غير جان و دل يار وفادار
پر و بالم برید افکند در نار
یکی باشد مرا گفتار و کردار
شدم از صورت افراط بیزار
شده مجرم، شده دلال بازار
کند جسم لطیف زن سنگسار
کُشد مردان را در زیر دیوار
به زیر دره و شلاق و تلوار
کند عقل و هنر را نیز افسار
دروغ و حيله باشد متن گفتار
تمام قلب و چشم و ذهن و افکار
طلایین حلقه روبای مکار
کند جسم و روان خلق افکار
بدتر از غنندل و از گزدم و مار
پپاشاند اسید و لاشه و خار
کُشد پیرو جوان و طفل بیمار
نداند عاشقی و ارزش یار
کند معدوم هر چه هست آثار
به عنوان جهاد و جنگ و ایثار
به غير تیغ خون آلود و کشتار
اگر چه می دهد دالر و کددار
مگو با مدعی هرگز اسرار

زند بر سینه ام گوید حوالدار
نگفتم زیر تیغ ناز ابرو
تنور داغ هجرانم برافروخت
نیابی در نهادم جز صداقت
ز فرهنگ جهالت شرمم آید
به نام دین و با اسم خداوند
برد حلقوم پاک نسل انسان
ببر دست مظلوم نگون بخت
بریزد آبروی ذات انسان
مهار اشتران بندد بر خر
عجب بر تارک ممبر نشیند
بسان تیره شبها قیرگون است
به مثل بردگان در گوش دارد
به زهر آگین تیغ کینه دایم
بود در خانه مصئون انسان
بجای عطر مشک و عنبر و گل
حکیمان را کند از شهر بیرون
بودد سینه دل خار اتر از سنگ
کند تخریب فرهنگ و تمدن
زند آتش بر بنیاد هستی
ز راز عالم و آدم چه داند
نگیرد هیچ جا در قلب مردم
به قول حافظ شیراز ای دل

به نوک خنجر خونین بنوشت
بسوزانم به نور عشق طومار

2015/12/13



د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ